

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يُقَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ  
 إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ  
 مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿٢٠﴾ يُقَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ  
 الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ  
 فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ ﴿٢١﴾ قَالَ يَا مَعْشَرَ الَّذِينَ آمَنُوا  
 إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا حَتَّىٰ يُخْرَجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا  
 مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ ﴿٢٢﴾ قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ  
 أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ  
 فَإِنَّكُمْ عَلَيْهِمْ مُّغْلِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿٢٣﴾  
 قَالَ يَا مَعْشَرَ الَّذِينَ آمَنُوا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْخُلُوا  
 فِيهَا بِسَبْحَتٍ رَّابِعَةٍ ذَاتِ رِجْزَيْنِ وَسَبْحَتٍ ثَالِثَةٍ  
 أَوْتَارِثَةٍ وَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ فِيهَا مِنْ غَيْرِ  
 الْحَدِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُخْرِجُوا  
 مِنْهَا فَلَا تَأْسُ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٤﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي  
 لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرِقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ  
 الْفَاسِقِينَ ﴿٢٥﴾ قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً  
 يَتِيمُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسُ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٦﴾

و هنگامی که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، نعمت‌هایی را که خدا به شما داده است به یاد آورید، آن‌گاه که در میان شما پیامبرانی قرار داد و شما را حاکم قرار داد و چیزهایی [نعمت‌ها] به شما داد که به هیچ یک از جهانیان نداده بود. ﴿۲۱﴾

ای قوم به زمین مقدس و پاک در آید؛ آن زمینی که خدا برای شما مقرر نموده است، و [از ترس ستمکاران] در بیکار با آنان به پشت خود رو برنگردانید و نگریند که زیان کار می‌شوید ﴿۲۱﴾

گفتند: ای موسی در آن سرزمین گروهی زورمند و سلطه‌گر وجود دارند و ما هرگز در آن سرزمین در نیایم تا آنکه ایشان از آنجا بیرون روند، پس اگر آنان از آن سرزمین بیرون روند ما وارد خواهیم شد. ﴿۲۲﴾

دو مرد از کسانی که از مخالفت با خدا بیمناک بودند و خدا هم به ایشان نعمت ارزانی داشته بود، به قوم موسی گفتند: بر مردم آن سرزمین از دروازه [بتازید] و وارد شوید، که اگر از آنجا وارد شوید قطعاً شما [بر آنان] غالب و چیره خواهید بود، و فقط بر خدا توکل و اعتماد نمایید اگر شما ایمان دارید. ﴿۲۳﴾

[بنی اسرائیل] گفتند: ای موسی ما هرگز در آن سرزمین در نیایم تا آن‌گاه که آنان در آن هستند، پس تو با پروردگارت بروید و [با آنان] بجنگید، ما در اینجا نشسته‌ایم. ﴿۲۴﴾

موسی گفت: پروردگارا من برای انجام دادن فرمان تو، جز اختیار خود و برادرم (هارون) را مالک و دارا نیستم، پس میان ما و این قوم نافرمان داوری کن و ما را در انجام فرمان خود یاری رسان. ﴿۲۵﴾

[خدا به موسی] فرمود: اینک چنین مقرر کردیم که بنی اسرائیل مدت چهل سال از ورود به آن سرزمین محروم باشند آنان در طول این مدت بر روی زمین سرگردان خواهند بود؛ نه چون شهرنشینان در شهری استقرار می‌یابند و نه چون صحرانشینان در بیابان زندگی می‌گذرانند. این کیفر آنان است، پس بر این تمردپیشگان از این که

کیفر الهی را می‌چشند اندوه مخور. ﴿۲۶﴾



## درس نهم

### وضعیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان، پس از رسول خدا ﷺ

دانستیم که مسئولیت ولایت و حکومت رسول خدا ﷺ، پس از ایشان نیز ادامه می‌یابد و براساس تدبیر حکیمانه خداوند، امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان معصوم از نسل ایشان جانشینی رسول خدا ﷺ را برعهده داشتند و از جانب خدا به ولایت و رهبری جامعه برگزیده شدند. البته پس از رسول خدا ﷺ حوادثی پیش آمد که باعث دور افتادن مردم از رهبری و هدایت امامان معصوم علیهم السلام شد. این مسئله شرایط و اوضاع اجتماعی خاصی را در جامعه آن روز پدید آورد.

اکنون می‌خواهیم اوضاع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان پس از رسول خدا ﷺ و چگونگی برخورد مسلمانان با ائمه اطهار علیهم السلام را بررسی کنیم.

در آیه شریفه زیر بیندیشید و به سؤالات پاسخ دهید :

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ  
فَدَخَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ  
أَفَأَنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ  
إِنْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ  
وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ  
فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا  
وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ

و محمد نیست، مگر رسولی  
که پیش از او رسولان دیگری بودند.  
پس اگر او بمیرد یا کشته شود،  
آیا شما به گذشته [و آیین پیشین خود] بازمی گردید؟  
و هر کس به گذشته بازگردد،  
به خدا هیچ گزند و زبانی نرساند  
و خداوند به زودی سپاسگزاران را پاداش می دهد.

### سوره آل عمران، آیه ۱۴۴

- ۱- خداوند چه هشداری به مردم زمان پیامبر می دهد؟
- ۲- آیا خطر بازگشت به ارزش های دوران جاهلیت فقط اختصاص به زمان پیامبر دارد؟
- ۳- به نظر شما، سپاسگزاران واقعی نعمت رسالت، در جامعه امروزی چه کسانی هستند؟

### خلاصه ای از رخداد های عصر ائمه علیهم السلام

پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله حوادثی رخ داد که رهبری امت را از مسیری که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برنامه ریزی کرده و بدان فرمان داده بود، خارج کرد و در نتیجه، نظام حکومت اسلامی که بر مبنای «امامت» طراحی شده بود، تحقق نیافت و امامان معصوم علیهم السلام با وجود حضور در جامعه، فاقد قدرت و امکانات لازم برای اجرای همه جانبه مسئولیت های خود شدند. فقط در یک دوره کوتاه چهار سال و نه ماهه، اداره حکومت به امام علی علیه السلام رسید و آن حضرت، در همین دوره کوتاه و با وجود مشکلات و جنگ هایی که با عهدشکنان و دشمنان داخلی داشتند، عالی ترین نمونه حکومت را عرضه کرد.

اما طولی نکشید که حکومت به دست بنی امیه افتاد. آنان کسانی بودند که سرسختانه با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبارزه کرده بودند و فقط هنگامی تسلیم شدند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شهر مکه را فتح کرد و آنان راهی جز تسلیم و اطاعت نداشتند. ابوسفیان که رهبری مشرکان را برعهده داشت، حدود دو سال قبل از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ناچار تسلیم شد و به ظاهر، اعلام مسلمانی کرد. پسر او، معاویه که جنگ صفین را علیه امیرالمؤمنین علیه السلام به راه انداخت، در سال چهارم هجری با بهره گیری از ضعف و سستی یاران امام حسن علیه السلام، حکومت مسلمانان را به دست گرفت و خلافت رسول خدا صلی الله علیه و آله را به سلطنت تبدیل کرد.

معاویه، برخلاف تعهدی که به مسلمانان داده بود، یزید را جانشین خود قرار داد؛ شخصی که از هیچ کار زشت و ناپسندی ابایی نداشت؛ احکام خداوند، مانند نماز را به بازی و سخره می گرفت، آشکارا شراب می خورد، سگ بازی و میمون بازی می کرد و با همان سگ و میمون، وارد مجالس می شد و آنها را کنار دست خود می نشاند. همین شخص، نوّه گرامی پیامبر، امام حسین علیه السلام و یارانش را با وضع هولناکی به شهادت رساند و خانواده ایشان را که نوادگان پیامبر بودند، به عنوان اسیر، در شهرها گرداند.

## فعالیت کلاسی

با همفکری دوستان خود بگویید چه عواملی باعث شد که بعد از گذشت پنجاه سال از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله، نوّه ایشان یعنی امام حسین علیه السلام این گونه توسط امت پیامبر به شهادت برسد؟

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در سخنرانی های متعدد، بارها مسلمانان را نسبت به ضعف و سستی شان در مبارزه با حکومت بنی امیه بیم می داد<sup>۱</sup> و می فرمود: «سوگند به خداوندی که جانم به دست قدرت اوست، آن مردم [شامیان] بر شما پیروز خواهند شد؛ نه از آن جهت که آنان به حق نزدیک ترند بلکه به این جهت که آنان در راه باطلی که زمامدارشان می رود شتابان فرمان او را می برند و شما در حق من بی اعتنایی و کندی می کنید. به خدا سوگند، این مطلب، قلب انسان را به درد می آورد که آنها در مسیر باطل خود این چنین متحدند، و شما در راه حق، این گونه متفرق و پراکنده اید.»<sup>۲</sup> آن حضرت آینده سرپیچی از دستورات امام و اختلاف و تفرقه میان مسلمانان را که موجب سوار شدن بنی امیه بر تخت سلطنت بود، می دید و آنان را از چنین روزی بیم می داد:

«به خدا سوگند، بنی امیه چنان به ستمگری و حکومت ادامه دهند که حرامی باقی نماند جز آنکه حلال شمارند... تا آنکه در حکومتشان دو دسته بگیرند: دسته ای برای دین خود که آن را از دست داده اند و دسته ای برای دنیای خود که به آن رسیده اند.»<sup>۳</sup>

بسی از سقوط بنی امیه، حکومت به دست بنی عباس افتاد. آنان با اینکه خود را از عموزادگان پیامبر صلی الله علیه و آله می دانستند و به نام اهل بیت، قدرت را از بنی امیه گرفته بودند، روش سلطنتی بنی امیه را ادامه دادند و در ظلم و ستم به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله از چیزی فروگذار نکردند، به گونه ای که اگر تحویل معنوی و فرهنگی ایجاد شده در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و دو میراث گران قدر آن حضرت - قرآن کریم و ائمه اطهار علیهم السلام - نبود، جز نامی از اسلام باقی نمی ماند.<sup>۴</sup>

۱- برخی از این سخنرانی ها در کتاب «نهج البلاغه» آمده است. از جمله در خطبه های ۹۸، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۸ و ۱۶۶.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۷. حفظ کردن عین سخنان امیرالمؤمنین ضروری نیست.

۳- نهج البلاغه، قسمتی از خطبه ۹۸.

۴- برای مطالعه بیشتر به کتاب های فروغ ابدیت و فروغ امامت از آیت الله جعفر سبحانی و نقش ائمه در احیای دین علامه عسکری

## چالش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر ائمه علیهم‌السلام

مهم‌ترین چالش‌های عصر ائمه علیهم‌السلام که نتیجه دوری از راه آن بزرگواران بود، عبارت‌اند از:

### ۱- ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

مسلمانان برای سخنان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اهمیت خاصی قائل بودند؛ برخی از آنان سخنان آن حضرت را می‌نوشتند و پیامبر نیز به مسلمانان برای نوشتن سخنان خود توصیه کرده بود<sup>۱</sup>. اما پس از رحلت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، سفارش آن حضرت را نادیده گرفتند و نوشتن احادیث آن حضرت را ممنوع کردند. به همین جهت، کسانی که به این احادیث علاقه‌مند بودند، فقط می‌توانستند آنها را به حافظه بسپارند و از این طریق به دیگران منتقل کنند. نگهداری حدیث به این شیوه، نتایج نامطلوبی داشت؛ از جمله اینکه:

الف) احتمال خطا در نقل احادیث افزایش یافت و امکان کم و زیاد شدن عبارت‌ها یا فراموش شدن اصل حدیث فراهم شد.

ب) شرایط مناسب برای جاعلان حدیث پیش آمد و آنان براساس غرض‌های شخصی به جعل، یا تحریف حدیث پرداختند، یا به نفع حاکمان ستمگر از نقل برخی احادیث خودداری کردند.

ج) بسیاری از مردم و محققان از یک منبع مهم هدایت بی‌بهره ماندند و به ناچار، سلیقه شخصی را در احکام دینی دخالت دادند و گرفتار اشتباهات بزرگ شدند.

با اینکه سال‌ها بعد، منع نوشتن حدیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برداشته شد و حدیث‌نویسی رواج یافت، اما به دلیل عدم حضور اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در میان مردم، به دلیل فوت یا شهادت، احادیث زیادی جعل یا تحریف شد به طوری که احادیث صحیح از غلط به سادگی قابل تشخیص نبود.

**نکته مهم:** البته این اوضاع نابسامان حدیث، برای پیروان ائمه علیهم‌السلام پیش نیامد؛ زیرا آن بزرگواران احادیث پیامبر را حفظ کرده بودند و شیعیان، این احادیث را از طریق این بزرگواران که خود انسان‌هایی معصوم و به دور از خطا بودند و سخنانشان مانند سخنان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم معتبر و موثق بود، به دست آوردند و به همین جهت، در نقل احادیث کمتر دچار اشتباه شدند.

### دانش تکمیلی

اگر می‌خواهید اطلاعات بیشتری درباره علت ممنوعیت نگارش احادیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و زمان پایان یافتن این ممنوعیت کسب کنید، به بخش «دانش تکمیلی» سایت گروه قرآن و معارف مراجعه کنید.

۱- سیوطی، تدریب الراوی، ج ۲، ص ۶۶.

## ۲- تحریف در معارف اسلامی و جعل احادیث

برخی از عالمان وابسته به بنی امیه و بنی عباس و گروهی از علمای اهل کتاب (یهودی و مسیحی) مانند کعب الاحبار که ظاهراً مسلمان شده بودند، از موقعیت و شرایط برکناری امام معصوم استفاده کردند و به تفسیر و تعلیم آیات قرآن و معارف اسلامی، مطابق با افکار خود و موافق با منافع قدرتمندان پرداختند. برخی از آنها در مساجد می‌نشستند و داستان‌های خرافی دربارهٔ پیامبران برای مردم نقل می‌کردند. این مطالب به کتاب‌های تاریخی و تفسیری راه یافت و سبب گمراهی بسیاری از مسلمانان شد. حاکمان بنی امیه و بنی عباس، اغلب به اندیشه‌هایی میدان می‌دادند که به نفع آنان بود و قدرت آنان را تقویت می‌کرد. برخی از دنیاطلبان، برای نزدیکی به این حاکمان، احادیثی از قول پیامبر اکرم ﷺ جعل می‌کردند و از حاکمان جایزه می‌گرفتند.

### بیشتر بدانیم

#### نمونه‌ای از احادیث جعلی

کعب الاحبار از علمای یهودی تازه‌مسلمان بود که در زمان خلیفه سوم به مقام قضاوت رسید. او پس از آن به دربار معاویه و امویان راه یافت و توجیه‌گر کارهای آنان شد. حکام اموی که سرگرم جمع‌آوری ثروت و ساختن کاخ‌های با شکوه بودند، وقتی با اعتراض مردم روبه‌رو می‌شدند، به کعب الاحبار روی می‌آوردند.

به عنوان نمونه، روزی یکی از همین حاکمان که گنجینه‌های بزرگ طلا فراهم کرده بود، از او پرسید: «اگر کسی زکات واجب طلا و نقره خود را داده باشد، آیا واجب است کار دیگری هم انجام دهد؟» وی گفت: «حتی اگر تک‌تک آجرها [ی خانه‌اش] هم از طلا و نقره باشد، هیچ چیز دیگری بر او واجب نیست». ابوذر، صحابی بزرگ پیامبر ﷺ [که در آن مجلس حاضر بود و می‌دید که چگونه فردی بیگانه با ارزش‌های اسلام، به نام اسلام از ثروت‌اندوزان دفاع می‌کند] از شدت خشم و بدون ترس از حاکم، فریاد برآورد:

«ای کافر! تو را با احکام مسلمانان چه کار؟ آیا سخن خداوند راست‌تر از سخن تو نیست که می‌فرماید: آنان که زر و سیم می‌اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به عذابی دردناک بشارتشان ده؟»<sup>(۱)</sup>.

همین کعب الاحبار، به دستور معاویه احادیثی جعل کرد که نشان دهد سرزمین شام که محل حکومت معاویه بود، از سرزمین مکه و مدینه نزد خداوند برتر است؛ مثلاً نقل می‌کرد:

۱- سوره توبه، آیه ۳۴.

۲- مستدرک الوسائل، میرزای نوری، ج ۷، ص ۳۶.



«محبوب‌ترین سرزمین‌ها در پهنه زمین، نزد خداوند، شام است و محبوب‌ترین نقطه شام، نزد خداوند، قدس می‌باشد»<sup>۱</sup>.

همچنین نقل می‌کرد که «خداوند نُه‌دهم خیر و برکت خود را در شام قرار داده و یک جزء باقی‌مانده را در تمام نقاط زمین تقسیم کرده است»<sup>۲</sup>.

چون او اصالتاً یهودی بود، می‌کوشید در روایاتی که جعل می‌کند، بیت‌المقدس را برتر از کعبه نشان دهد؛ مثلاً از پیامبر نقل می‌کرد: «کعبه هر روز صبحگاهان برای بیت‌المقدس سجده می‌کند»<sup>۳</sup>.

### ۳- ارائه الگوهای نامناسب

عموم مردم در اعتقادات و عمل خود، دنباله‌رو شخصیت‌های برجسته جامعه هستند و آنها را اسوه قرار می‌دهند. اگر این الگوها صاحب کمالات و ارزش‌های الهی باشند، مردم نیز به نسبت همت و استعداد خود از این ارزش‌ها بهره‌مند می‌شوند و اگر آنها به سوی زشتی‌ها بروند، بیشتر مردم دنباله‌روی آنان خواهند بود. در آن زمان که رسول خدا ﷺ اسوه مردم بود، انسان‌های آزاده، با ایمان و شجاعی چون امام علی علیه السلام، مقداد، عمار، ابوذر و سلمان تربیت شدند، اما هرچه که جامعه از زمان پیامبر ﷺ فاصله می‌گرفت، حاکمان وقت تلاش می‌کردند که شخصیت‌های اصیل اسلامی، به خصوص اهل بیت پیامبر ﷺ، را در انزوا قرار دهند و افرادی را که در اندیشه و عمل و اخلاق از معیارهای اسلامی به دور بودند، به جایگاه برجسته برسانند و راهنمای مردم معرفی کنند.

#### بیشتر بدانیم

نمونه‌هایی از الگوی نامناسب از جمله افرادی که در حکومت بنی‌امیه به عنوان الگو به مردم معرفی می‌شدند، کعب الاحبار و ابوهریره بودند. این دو پس از پیامبر، به خصوص در دوره بنی‌امیه به عنوان شخصیت‌های مطرح در نقل حدیث معرفی شدند.

معاویه درباره کعب الاحبار می‌گفت: «بدانید که کعب الاحبار یکی از دانشمندان است»<sup>۴</sup>.

ابوهریره هم که خودش به صراحت سیر شدن شکمش را دلیل مسلمان شدنش بیان می‌کرد، به شدت طرفدار معاویه بود و احادیث بسیاری در فضیلت او جعل کرد. از این رو، به ثروت و مقام بالایی رسید و معاویه او را امام جماعت و حاکم مدینه کرد. او در یکی از احادیث جعلی خود

۱- تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج ۱، ص ۱۱۰، چاپ دمشق.

۲- همان، ص ۱۴۷.

۳- تفسیر الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۳۶.

۴- الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۵۸.



می گوید :

«از پیامبر شنیدم که می گفت خداوند امانت وحی را به سه نفر سپرد : من، جبرئیل و معاویه.»<sup>۱</sup>  
او آن قدر احادیث جعلی ساخت که حضرت علی علیه السلام درباره او فرمود :  
«دروغ گوترین مردم به رسول خدا، ابوهیره است»<sup>۲</sup>

#### ۴- تبدیل حکومت عدل نبوی به سلطنت

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حکومتش را بر پایه عدل بنا کرد و اعلام نمود که همه انسان ها از یک مرد و زن آفریده شده اند و ملاک کرامت و گرامی بودن، تقواست.  
پس از گذشت مدتی از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله جاهلیت با شکلی جدید وارد زندگی اجتماعی مسلمانان شد. شخصیت های باتقوا، جهادگر و مورد احترام و اعتماد پیامبر صلی الله علیه و آله منزوی شدند و طالبان قدرت و ثروت قرب و منزلت یافتند.  
حاکمان بنی امیه و بنی عباس نیز، به تدریج مسیر حکومت را عوض کردند و برای خود و اطرافیان شان کاخ های بزرگ و مجلل ساختند و خزائن خود را از جواهرات گران قیمت انباشته کردند.  
این تغییر مسیر، جامعه مؤمن و فداکار عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به جامعه ای راحت طلب، تسلیم و بی توجه به سیره و روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تبدیل کرد. این تغییر فرهنگ، سبب شد که ائمه اطهار علیهم السلام با مشکلات زیادی روبه رو شوند و نتوانند مردمان آن دوره را با خود همراه کنند.

#### فعالیت کلاسی

به نظر شما آگاهی از اوضاع اجتماعی و فرهنگی عصر ائمه علیهم السلام چه فوایدی برای زندگی امروز ما دارد؟

#### بیشتر بدانیم

معاویه، پس از فتح شام در زمان خلیفه دوم، به فرمانروایی شام گماشته شد. و مردم شام اسلام را از او آموختند. او در مدت ۲۳ سال نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۲۱ سال آن را به مبارزه با اسلام و دشمنی با پیامبر سپری کرد و در جنگ های متعدد با مسلمانان به همراه پدرش ابوسفیان و مادرش هند جگر خوار جزء فرماندهان جنگ بود. بعد از رسیدن به قدرت در شام، اولین حاکمی در اسلام بود که برای خود کاخ ساخت و بر تخت نشست و تاج بر سر نهاد. گویند هزینه کاخ او به اندازه

۱- البداية و النهاية، ابن کثیر، ج ۸، ص ۱۲۰.  
۲- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۶۸.

ارزش بار طلای ۱۸ مرکب بوده است. ابوذر که از یاران بزرگ پیامبر بود و به دمشق تبعید شده بود، به معاویه گفت: اگر این کاخ را از مال خدا می سازی، خیانت کرده ای و اگر از مال خودت است، اسراف است.

ظرف های کاخ معاویه از طلا و نقره بود، لباس های حریر می پوشید و براسی که زین آن طلاکاری شده بود، می نشست. خانواده اش نیز لباس های زربافت می پوشیدند. در یکی از سفرهایش به مدینه، ۱۵ مرکب با رواندازهای پوستین ارغوانی رنگ در پی اش روان بودند که بر هر یک کنیزی نشسته بود. وقتی اشراف و سران مدینه نزد وی آمدند، به هریک از آنها ۱۰ تا ۱۰۰ دست از جامه های مخصوص خود را بخشید.

تاجی داشت که با گذشت هر سال از حکومتش، گوهری به آن می افزود. او همواره شراب می نوشید و شترهای ویژه ای برای حمل شراب داشت. یکی از سرگرمی های او دعوت از زنان آوازه خوان و شنیدن آوازه های آنان بود. هنگامی که خبر شهادت امیرمؤمنان علیه السلام را شنید، بر تخت تکیه زده بود. با شنیدن این خبر به سرعت نشست و گفت: کنیز! آواز بخوان که امروز چشمم روشن شد.<sup>۱</sup>

## اندیشه و تحقیق

- ۱- چه مسائلی زمینه را برای ورود جعل و تحریف به احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آماده کرد؟
- ۲- تفاوت های اساسی حکومت بنی امیه و بنی عباس با رهبری پیامبر صلی الله علیه و آله چه بود؟

## پیشنهاد

با مطالعه یکی از کتاب های زیر عواملی که سبب حاکمیت کسانی چون معاویه و یزید بر مسلمانان شد را استخراج کنید و در کلاس گزارش دهید.

الف) حماسه حسینی، استاد شهید مرتضی مطهری

ب) تاریخ سیاسی ائمه علیهم السلام، جواد محدثی

ج) تاریخ سیاسی اسلام، رسول جعفریان

د) سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی

ه) پس از پنجاه سال، دکتر سیدجعفر شهیدی

۱- مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۵ و ۳۱ و ج ۱۰، ص ۳۳۳ تا ۳۳۶؛ الغدير، ج ۱۰، ص ۲۵۸.